

آثار دنیوی تمکن در قرآن کریم و روایات

کبری احمدی

چکیده

مال و ثروت، یکی از موضوعات مهم در جوامع انسانی است و حفظ مال، از جمله اهداف مهم و ضروری در اسلام به شمار می‌رود. قرآن کریم، به عنوان یک متن مقدس دوران‌ساز، نقش پول در زندگی و فواید و مضرات آن را برای ما بیان نموده و دستوراتی مشخص و معین برای دوری از فساد اموال و دستیابی به منافع آن بیان نموده است. در روایات نیز بر این امر تاکید شده و به تمامی مسلمانان توصیه شده تا نسبت به آثار دنیوی مال‌اندوزی هشیار باشند. در این پژوهش و به روش کتابخانه‌ای و توصیفی، کوشش شده تا ضمن بررسی و بازشناسی موضوع آثار دنیوی تمکن مالی در قرآن کریم و روایات مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. علاوه بر آن، نه تنها تلاش شده تا میزان مشروعیت و روش‌های مجاز مال‌اندوزی و کسب ثروت در قرآن و روایات مطرح گردد، بلکه بر پایه هدف اصلی تحقیق، به تبیین جایگاه مال و اهمیت فراوان آن در حیات فردی و اجتماعی انسان از منظر قرآن کریم پرداخته شده است. علاوه بر این، این پژوهش با واکاوی و مطالعه نصوص دینی پیرامون تمکن و آثار دنیوی آن، به این نتایج می‌رسد که اصل درآمدزایی و کسب ثروت از دیدگاه قرآن و روایات نه تنها بر کسب ثروت حلال تاکید فراوانی شده است. موضوعی که قرآن کریم و روایات، آن را جز آفات تمکن مالی دانسته و پیامدهایی فردی و اجتماعی زیادی برای انسان به همراه داشت، همانا کسب مال از راه‌های غیرمشروع است در قرآن کریم از برخی راه‌های مُجاز کسب درآمد و اهمیت تمکن مالی یاد شده است، نظیر مسافرت برای تجارت، خرید و فروش، دام‌پروری، کشاورزی و صنعت که همه از اموری به شمار می‌روند که مومن با تمکن مالی در این حرفه‌ها، قادر خواهد بود به محیط اجتماعی خویش یاری رسانده و جلوی برخی اهمال‌کاری‌ها که خود مسبب گناهان بزرگند را بگیرد. برخی از پیامدها و آثار دنیوی تمکن مالی از طریق غیرمشروع در قرآن کریم نیز ذکر شده است که می‌توان به برخی از راه‌های ممنوعه برای کسب ثروت و جمع اموال در قرآن کریم اشاره نمود نظیر: خوردن مال به باطل، درآمد از راه ربا، قمار، کم‌فروشی، گنج یا هر شکلی از حبس.

واژگان کلیدی: تمکن، ثروت، فایده دنیوی، آفت دنیوی، قرآن و روایات.

در قرآن کریم و روایات، تمکن مالی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم زندگی مورد توجه قرار گرفته است. تمکن مالی به عنوان اراده الهی برای پشتیبانی از انسان‌ها و فراهم کردن منابع مالی برای زندگی شایسته و برخوردار از برکت و رفاه در قرآن کریم مورد ذکر قرار گرفته است. به عنوان مثال، در بسیاری از آیات قرآن آیه 200 سوره آل عمران و آیه 268 سوره البقره، به دعوت از انفاق و صدقه دادن به نیازمندان و مبارزه با زنجیره‌های مالی و دلالت بر بخشش و بخشنندگی تأکید شده است.

از سوی دیگر، در روایات نیز تأکید بر تمکن مالی و اهمیت اجرای اصول عدالت اجتماعی و زکات و صدقات به منظور توزیع نابرابری درآمدی و افزایش رفاه اجتماعی و برکت توسط الهی دیده می‌شود. علاوه بر این، اهمیت تجارت و کسب و کار در احادیث و روایات نیز بحث شده و انتقاد از کسب درآمد ناپاک و باطل طرح مسائل مالی مطرح شده است. در نتیجه دین اسلام از جمله ادیانی است که در آن کسب ثروت از راه‌های مشروع کاملاً پذیرفته شده است و فرد مومن می‌تواند با کوشش و سعی خود، بر تمکن مالی خویش بیفزاید. اما این تمکن مالی، هم بهره‌های دنیوی برای فرد به همراه دارد و هم آفاتی نصیب فرد می‌گرداند. در پژوهش حاضر، با استناد به قرآن کریم و روایات، به آثار مثبت و منفی تمکن مالی اشاره خواهیم کرد.

در مورد پیشینه تحقیق نیز باید گفت که در سال‌های اخیر، تحقیقات مفصلی در زمینه ثروت و تمکن و شرایط آن در دین اسلام به رشته تحریر درآمده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

یکی از اولین تحقیقات در زمینه نظام اقتصادی اسلام، اثر شهید مطهری (1377) با عنوان «نظری به نظام اقتصادی اسلام» است. شهید مطهری در دهه 40 و 50 خورشیدی که با افراط انحرافی مارکسیستی و دیدگاه آن‌ها پیرامون نظام طبقاتی و بنیاد اقتصادی جامعه روبرو شده بود، تلاش کرد از نظر فکری، به مقابله با این دیدگاه‌های الحادی بپردازد. یکی از نمودهای چنین تلاشی، این تحقیق است که هنوز هم می‌توان با مطالعه آن، درکی جامع از موضوع اقتصاد و ثروت در جامعه اسلامی به دست آورد. کرم‌خدایی (1397)، در مقاله‌ای با عنوان «مال و ثروت از دیدگاه قرآن»، تلاش کرده تا با تبیین لغوی و اصطلاحی مفهوم مال در اسلام، اهمیت و اعتبار اجتماعی آن برای یک فرد مسلمان را با توجه به آیات قرآن کریم تبیین نماید. نویسنده با توجه به آیات قرآن کریم نتیجه می‌گیرد که از نظر قرآن، کاربرد مال و ثروت تنها در دنیا است و اگر ارزش و اعتبار

نسبی به آن قائل است، در همین دنیا و برای ارزش‌گذاری کرامت خود و دیگران در دنیا و آخرت قرار می‌دهند.

جمالی (1385)، در تحقیقی با عنوان تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات، تصریح می‌کند که در اگر ثروت و تمکن مالی، امری مذموم و تنفرآمیز بود، خداوند هرگز آن را به خویشتن نسبت نمی‌داد و رزق خود نمی‌خواند (سوره نور، آیه 33 و سوره نساء، آیه 39) و به مثابه فضل و عطا و بخشش الهی معرفی نمی‌کرد. با چنین اوصافی است آن را ستایش نمی‌کرد. عصیانی (1386)، در تحقیقی با عنوان «تفسیر موضوعی رزق و ارزاق از منظر قرآن کریم»، نشان داده که رزق و برکت از الطاف الهی به شمار می‌روند و خداوند از این طریق بندگانش را مورد آزمایش قرار می‌دهد. نویسندگان نیز نه تنها مال و رزق را در اسلام بد تفسیر نمی‌کنند، بلکه آن را جایز و پسندیده می‌دانند.

۲- مفهوم‌شناسی

الف: تمکن

در اسلام، تمکن مالی و امور دنیوی به عنوان بخشی از زندگی مسلمانان مطرح است. اسلام به مسلمانان توصیه می‌کند که در تأمین نیازهای زندگی دنیوی خود کوشا باشند، اما همزمان باید به معنویات و امور معنوی نیز توجه کنند و از ثروت و مالی که به آنها عطا شده است، در راستای خیر و انفاق در راه خدا استفاده کنند. افزون بر این، اسلام به مسلمانان توجه به اخلاق مالی و افراد نیازمند را توصیه می‌کند. اختصاص به اموال و ثروت به شیوه‌ای که مطابق با اخلاق اسلامی و عدالت اجتماعی باشد، یکی از نکات مهمی است که اسلام تأکید دارد. بنابراین، از دیدگاه اسلام، امور دنیوی و مالی تأکید دارنده‌ای دارند ولی با تأکید بر اخلاق و رعایت مسائل معنوی همراه است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تمکن از واژه سه حرفی «مکن» اتخاذ شده است و مصدر باب تفعّل بوده و در لغت به معنای تنعم، تعین، توانگری، مکنت (واسطی، 1414: 542) توانا و قادر شدن، دست یافتن به چیزی و ثروتمند شدن می‌باشد. (ابن منظور، 1402: 413) بنابراین از نظر لغوی تکمن به معنای توانا شدن و دارای جاه و مقام شدن (معین، 1385: ذیل مدخل تمکن) و دارای مقام و منزلت شدن و جای گرفتن است. (عمید، 1381)

ب: مفهوم مال و ثروت

واژه مال از «مول» عربی به معنای دارایی و ثروت است که می‌تواند چارپایانی چون گاو، گوسفند، شتر، بز و ... باشد. مالون یعنی دارنده مال و ثروت بسیار و تمویل به معنای سرمایه‌گذاری است. البته مال از ریشه «میل» به معنای گرایش و بازگشت به چیزی به سبب دوست داشتن است؛ شاید از این نظر در اشتقاق به مال از ریشه «مول» نزدیک باشد؛ زیرا انسان به اموال گرایش و میل دارد و به سبب دوستی بسیار به سوی آن کشیده شده و باز می‌گردد تا این گونه نیازهای خویش را برآورده سازد (ابن فارس، 1412: 329)

از نظر لغوی، مال در اصل، «ملک» است که از طلا و نقره می‌باشد. سپس بر هر چیزی از اعیان که ملک می‌شود، اطلاق شده است و نزد عرب، بیشتر به شتر گفته می‌شود، زیرا بیشترین مال آن‌ها شتر بوده است (طریحی، 1403، 475/5) ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «ما ملکته من جمیع الاشیاء»، یعنی مال آن چیزی است که آن را مالک می‌شوی از تمام اشیاء، (ابن منظور، 1402: 635). راغب اصفهانی نیز در باب مال می‌نویسد: مال را از آن جهت مال گویند که پیوسته مایل و زایل است (هم میل به دیگری دارد و هم سریعاً گذراست) و لذا «عرض» نامیده می‌شود (راغب اصفهانی، 1388: 478).

از نظر اصطلاحی، مال یک اعتبار عقلایی است که از فایده دارا بودن یک چیز ریشه گرفته است و به گونه‌ای که سبب پیدایش میل و تقاضای مردم می‌گردد و نسبت به آن از یکدیگر پیشی می‌گیرند (کرمی و پورمند، 1395: 58-59) شهید مطهری در این باره می‌گوید: ثروت یا مال عبارت است از هر چیزی که یکی از حوائج طبیعی یا اعتباری، ضروری یا تجملی بشر را برآورد (مطهری، 1377: 45). بنابراین ثروت یا مال، به چیزی گفته می‌شود که انسان نسبت به کسب آن مایل باشد و دسترسی به آن آسان نباشد و برای آن بتوان محدودیتی در نظر گرفت و به اندازه زیاد نباشد.

مال به سه دسته کلی تقسیم می‌شود:

الف- عین: مالی است که وجود مادی داشته و با حواس ظاهری قابل درک باشد.

ب- منفعت: عبارت از فایده و ارزش مصرفی حاصل از عین خارجی است.

ج- حق: برخی حقوق، مالیت دارند؛ یعنی ارزش مبادلاتی دارند، همانند: سرقفلی، اختراع و ... (کرمی و پورمند، 1395: 59).

۳- آثار دنیوی تمکن در قرآن کریم

در قرآن کریم، از یک سو به موضوع ثروت و رزق و روزی تاکید بسیار شده است و از سوی دیگر، آفات تمکن مالی برای فرد مومن را بسیار می‌داند. در این مورد، اشاره به چگونگی کسب ثروت به مثابه یک راهنمایی عملی نیز صورت گرفته است. بخشی از توصیه‌هایی که در قرآن کریم به آن‌ها تاکید شده، عبارتند از: ایمان به خدا، کار پسندیده و مفید، بخشش و صدقه دادن، اجتناب از ربا و فروش غیراخلاقی، تقوای پیشگی و پرهیز از گناهان و بسیاری موارد دیگر. این توصیه‌ها نشان می‌دهند که کسب ثروت به صورت اخلاقی و از طریق راه‌های مشروع، نه تنها نهی نشده است، بلکه با احترام به دیگران و با اعتقاد به خداوند، در قرآن کریم به آن تأکید فراوان شده است.

اساساً ثروت و مال از نظر آموزه‌های وحیانی قرآن، مایه قوام اجتماع و ستون اصلی آن است. خدا می‌فرماید: **وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا**؛ و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام زندگی شما قرار داده به سفیهان مدهید؛ ولی از عواید آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید. (نساء، آیه ۵)

از نظر آموزه‌های قرآن، مال و ثروت، فضل الهی به انسان‌ها است (بقره، آیه 198؛ مائده، آیه 2؛ توبه، آیه 76)؛ البته مال زمانی ارزش و اهمیت دارد که در راستای تامین سعادت ابدی و بهشت به کار گرفته شود (توبه، آیه 111)؛ بنابراین از نظر مومنان مال و ثروت از ارزش ذاتی برخوردار نیست، بلکه ارزش آن به اعتبار امکان بهره‌گیری برای سعادت ابدی و رضایت خدا و پاداش الهی است. پس مالی که در راستای اهداف آفرینش به کار گرفته شود، امری ارزشمند و خیر خواهد بود؛ وگرنه هیچ ارزشی نخواهد داشت. (بقره، آیات 215 و 272 و 273؛ کهف، آیه 95؛ حج، آیه 11؛ قصص، آیه 24)

بدون تردید ثروت و مالی ارزشمند و خیر است که در معامله و تجارت با خدا و رضایت او و حمایت از دین اسلام و ارزش‌های آن به کار گرفته شود. (توبه، آیه 111) از همین رو راه دستیابی به رضایت خدا، بهره‌گیری از مال و ثروت برای اهداف آفرینش از جمله حمایت از فقیران و مسکینان و اطعام‌دهی به آنان و ایجاد عدالت از طریق بخشیدن حقوق مالی ایشان است. (فجر، آیات 15 تا 18؛ معارج، آیات 24 و 25) از نظر قرآن مال و ثروت، در هنگام سنجش با پاداش‌های الهی، هیچ ارزش و اهمیتی پیدا نمی‌کند. و از آنجا که مال و ثروت در نگرش قرآنی زمانی ارزشمند و خیر خواهد بود که در راستای اهداف آفرینش به کار گرفته شود، هر گونه تفسیری دیگر از ارزش‌مندی مال باطل و ناروا است؛ از همین رو خدا نگرش کافران و مشرکان به مال را مردود می‌داند؛ زیرا از نظر آنان، مال و ثروت همچون قدرت از یک ارزش ذاتی برخوردار است و

سَبَبُ الْفِتَنِ وَ حُبُّ الرِّيَاسَةِ رَأْسُ الْمَحَنِ؛ مال دوستی سبب بروز گرفتاری‌ها و ریاست‌خواهی اساس رنج‌هاست. (396/3)

از روایات چنین استفاده می‌شود که مسلمین باید تلاش کنند تا از راه حلال و با بهره گرفتن از عاقلانه‌ترین و پیشرفته‌ترین «ابزار» در جهت ثروتمند کردن خود و جامعه تلاش کنند و از فقر و هلاکت نجات پیدا کنند. اصولاً یک ملت فقیر نمی‌تواند آزاد و سربلند زندگی کند؛ زیرا فقر وسیله وابستگی و روسپاهی در دنیا و آخرت است. این مفهوم را می‌توان از حدیث امام صادق (ع) دریافت که می‌فرمایند: «غَنِيَ يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ، خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْأَثَمِ»؛ (بی‌نیازی که تو را از تجاوز به حق دیگران باز دارد از فقری که تو را به گناه کند بهتر است).

امام صادق علیه السلام از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: بهترین کمک بر تقوا، بی‌نیازی است. «عَنِ السَّكُونِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى التَّقْوَى الْغِنَى» (حر عاملی، 1414: 16/12). در حدیث شریفی امام رضا (ع) می‌فرمایند: کسی که می‌رود برای خانواده‌اش پول در بیاورد، پاداشش نزد خدا بالاتر از کسی است که در راه خدا جنگ می‌کند: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكْفِيهِ عِيَالُهُ أَكْثَرُ أَجْراً مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (کلینی، 1393: 5/88) این حدیث خود نشان‌دهنده ارزش والای تلاش و کوشش اقتصادی است.

بدون تردید آنچه در بین احادیث جالب توجه بوده، تأکید ائمه اطهار بر اسقلال مالی و کارآفرینی و مهم‌تر از همه صاحب کسب و کار بودن و مال‌اندوزی در راه مثبت آن است. «استقلال» شامل استقلال فکری، استقلال شخصیت، استقلال روحی و حتی «استقلال مالی» هم می‌شود. اینکه ما باید در همه زمینه‌ها ارزش افزوده ایجاد کنیم، کافی نیست، بلکه باید استقلال هم داشته باشیم و حقوق بگیر نباشیم. شخصی از امام صادق (ع) پرسید: یک مردی هست که تجارت می‌کند (خودش کاسبی می‌کند و صاحب کار ندارد)، منتها اگر تجارتش را کنار بگذارد و خودش را اجیر کند و مزد بگیرد (کارمند یا کارگر دیگران بشود)، همان قدر که قبلاً خودش درآمد داشت، به او پول می‌دهند، آیا اجازه دارد چنین کاری کند؟ حضرت در جواب می‌فرمایند: نباید خودش را اجیر کند (کسی که می‌تواند خودش پول در بیاورد) برود روزی اش را از خدا بگیرد و تجارت کند. کسی که می‌تواند خودش پول در بیاورد، اگر برود کارمند و مزدبگیر بشود، روزی خودش را بسته است!

«الرَّجُلُ يَتَجَرَّ فَإِنْ هُوَ أَجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يَصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ فَقَالَ لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ يَتَجَرُّ فَإِنَّهُ إِذَا أَجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ» (کلینی، 1393: 90/5) تجارت و کاسبی ریسک دارد و برای دیگری کار کردن این ریسک را ندارد. اما خداوند می‌فرماید: «ریسک نکردی؟ خودت را به دست کارفرما بستی؟ من هم روزی‌ات را بستم!» این نکته برگرفته از سخن امام صادق (ع) است که می‌فرمایند: کسی که خودش را مزدبگیر (کارمند) کند- در حالی که می‌تواند برای خودش کار کند- در واقع روزی را بر خودش بسته است، او هرچه کار می‌کند، روزی برای صاحب کارش اضافه می‌کند نه برای خودش! یعنی او را پولدار می‌کند: «مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ... وَكَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي أَجَرَهُ» (کلینی، 1393: 90/5).

۶- نتیجه‌گیری

از نظر قرآن، کسانی که مال و ثروت و زندگی دنیوی برای آنها اصالت دارد، آرزوی ثروت دارند و آن را به عنوان ارزش مطلق دانسته و ملاک سنجش و ارزش‌گذاری کرامت خود و دیگران در دنیا و حتی آخرت قرار می‌دهند و با چنین گمانی به تکاثر اموال و گردآوری و شمارش آن مشغول می‌شوند. از همین رو تمام تکیه و همت آنها به مال اندوزی و جمع ثروت و قدرت است؛ در حالی که ثروت و قدرت، آنها را از عذاب‌های الهی دنیوی و اخروی نجات نمی‌دهد. آموزه‌های قرآنی تاکید دارد که انسان در فعالیت‌های اقتصادی اصل را بر صداقت و درستکاری گذاشته و کمتر به گردآوری اموال به هر شکلی بیندیشد؛ زیرا درستکاری اقتصادی، دارای ارزشی بهتر از داشتن مال و دارایی و تکاثر آن به هر شکل و شیوه‌ای است.

از نظر آموزه‌های قرآنی، مال دارای ارزش نسبی و در راستای آفرینش و رضایت الهی است. بر این اساس، اگر مال و ثروت بدرستی مورد استفاده قرار نگیرد، نه تنها نعمت نیست، بلکه نعمت و بلای جان آدمی در دنیا و آخرت است و باید پاسخگوی دارایی‌های خویش باشد. همچنین مال باید از طریق حلال و در یک مسیر سالم اقتصادی به جریان و مالکیت به دست آید. از این رو حلیت مال به دو معنای حلالیت ذاتی مال و حلیت کسب و مالکیت بسیار مورد تاکید آموزه‌های قرآن است.

بنابراین تمکن مالی و ثروت‌اندوزی تا زمانی که از طریق راه‌های مشروع صورت گرفته باشد، هیچ مشکلی ندارد. مشکل با بهتر بگوییم آفت زمانی گریبانگیر افراد متمکن می‌گردد که یا در ثروت‌اندوزی احتیاط‌های عملی را رعایت نکرده‌اند و یا نسبت به اجتماع و محیط پیرامونی‌شان چنان بی‌تفاوت بوده‌اند که مال و

ثروت‌شان خود به عنوان پوشش و حجاب حقیقت عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد رشد و کمال فردی و اجتماعی مورد نیاز هر انسان را به دست آورند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه، سید رضی

1. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (1429)، المصنف ابن ابی شیبہ فی الاحادیث و الآثار، تصحیح امام سعید محمد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
2. ابن فارس، احمد بن فارس (1412)، معجم مقاییس اللغة، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الاسلامی.
3. ابن منظور، محمد بن مكرم (1402)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
4. امام خمینی، سید روح الله (1372)، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
5. جمالی، قربان (1385)، تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات، قم: زمزم هدایت.
6. حر عاملی (1414)، «وسایل الشیعه»، قم: موسسه آل البيت، الاحیاء التراث.
7. خوئی، سید ابوالقاسم (1363)، مصباح الفقاهه، مقرر: محمدعلی توحیدی، قم.
8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1388)، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران: انتشارات سبحان.
9. شمس الدین، محمد مهدی (1392)، دراسات فی نهج البلاغه، بیروت، دار الزهراء.
10. طبرسی، فضل بن حسن (1360)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی.
11. طریحی، فخرالدین بن محمد (1403)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، بیروت: موسسه الوفاء.
12. طباطبایی، محمد حسین (1374)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: حوزه علمیه، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
13. علم الهدی، شریف مرتضی (1415)، الانتصار، قم: موسسه النشر الاسلامی.
14. عمید، حسن (1381) فرهنگ عمید؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
15. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۸۳)، العین، تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی؛ تصحیح اسعد الطیب، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
16. کلینی، محمد بن یعقوب (1393)، اصول کافی، ترجمه حسین استاد ولی، قم: دارالثقلین.
17. مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۰)، بحار الانوار، تهران، انتشارات دارالکتب.

18. مطهری، مرتضی (1377)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
19. معین، محمد (1385)، فرهنگ فارسی معین؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
20. مفید (1414)، الامالی، قم: دارالثقافه للنشر.
21. مکارم شیرازی، ناصر (1374)، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، قم: دارالکتب الاسلامیه.
22. نجفی، محمد حسن (1362)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
23. واسطی، سید مرتضی (1414)، تاج العروس فی شرح القاموس، قم: انتشارات دارالفکر.